فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۲۴)، تابستان ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۸۴-۱۶۵

تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در بهره‌برداری شبکه آبیاری دشت ارایض در شهرستان شوش

علیرضا کریمی*؛ عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
حسین دانش‌مهر؛ عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان و پژوهشگر مطالعات روستایی پژوهشکده کردستان‌شناسی، سنندج، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۱۳

چکیده

قرار گرفتن ایران در زمره کشورهای خشک جهان و دارا بودن منابع آب محدود از یک سو و استفاده بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی از سوی دیگر، ضرورت مدیریت و بهره‌برداری از آب کشاورزی را دو چندان ساخته است. در همین راستا پروژه بزرگ دشت ارایض به‌عنوان بخشی از طـرح توسـعه اراضی دشت‌های خوزستان و ایلام به مرحله اجرا درآمد. مناطق روستایی دهستان چنانه در شهرستان شوش که در واحدهای عمرانی ۲ و ۳ دشت ارایض قرار گرفته، جامعه آماری بوده است. هدف تحقیق، تحلیل وضعیت مشارکت روستاییان در پروژه و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. روش مورد بررسی در این پژوهش به صورت کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه و با حجم نمونه ۱۳۴ نفر از بهره‌برداران ساکن در روستا است. یافته‌های پژوهش نشان داد میزان مشارکت روستاییان در مرحله طراحی و تمایل به مشارکت در بهره‌برداری از پروژه در سطح متوسط به بالایی قرار دارد ولی میزان مشارکت در مرحله اجرای پروژه در سطح بالایی نیست. در مجموع در حدود سه چهارم از پاسخگویان وضعیت مشارکت خود را در سطح متوسط ارزیابی نموده‌اند. درآمد سالیانه بهره‌برداران، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، مشارکت ذهنی، تعلق مکانی، حمایت اجتماعی و همبستگی اجتماعی با میزان مشارکت روستاییان در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه رابطه مثبت و معناداری دارد. متغیر سن بهره‌برداران با میزان مشارکت آنها از رابطه معکوس و منفی برخوردار است. میزان مشارکت بر حسب سطح تحصیلات بهره‌برداران نیز تفاوت معناداری دارد. سابقه کار کشاورزی و توانمندی اقتصادی بهره‌برداران با میزان مشارکت آنها رابطه معناداری ندارد. تقویت اعتماد از دست رفته روستاییان به مجریان پروژه که به دلیل ناکارآمدی پروژه‌های پیشین اتفاق افتاده است و همچنین توانمندسازی آنها می‌تواند زمینه تقویت مشارکت روستاییان را در این پروژه و پروژه‌های آتی فراهم سازد.

واژگان کلیدی: منابع آب زراعی، مدیریت مشارکتی، بهره‌برداری زراعی، مناطق روستایی، عوامل اجتماعی، دشت ارایض.

* alireza.karimi@khu.ac.ir

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

۱) مقدمه

در جهان امروز، آب کالایی سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و همچنین به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه محسوب می‌شود. بدیهی است که این وضعیت برای کشورهایی که در اقلیم‌های خشک و با بارش ناکافی قرار دارند، از اهمیت شایانی برخوردار است. کشور ایران با قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک دنیا، متوسط بارندگی آن کمتر از یک سوم متوسط بارندگی جهان است. کاهش بارندگی در کشور که از سالیان قبل وجود داشته در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است (مریانجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶). از سوی دیگر با وجود ریزش‌های جوی کشور (متوسط ۲۵۵ میلیمتر سالانه) بخش قابل توجه آن تبخیر می‌گردد (ریاحی و مومنی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). نامناسب بودن پراکندگی زمانی و مکانی ریزش‌های جوی همراه با تبخیر بخش قابل توجه آن و راندمان پایین شیوه‌های آبیاری سبب شده موضوع آب در بخش کشاورزی به یک مسأله مهم تبدیل شود. راندمان پایین آب در بخش کشاورزی سبب هدر رفت سالانه میلیون‌ها متر مکعب آب می‌شود به گونه‌ای که راندمان آبیاری بخش کشاورزی به ۴۰ درصد هم نمی‌رسد و بقیه آن یعنی بیش از ۶۰ درصد هدر می‌رود (طاهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸). از این رو، بهبود مدیریت آب زراعی برای دستیابی به اهداف محیطی، اقتصادی و اجتماعی کشاورزی پایدار، گامی مهم و مؤثر در مصرف بهینه آب و افزایش راندمان آبیاری و تولید محصولات کشاورزی است.

اهمیت مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری به حدی است که می‌توان گفت اصلاحات آب به معنای ایجاد و تقویت چنین نهادهای بومی برای مشارکت در آبیاری، حداقل به اندازه اصلاحات ارضی در توسعه کشاورزی اهمیت دارد. در کشور ما نیز مدیریت مشارکتی آبیاری به عنوان یک رهیافت جهانی برای بهره‌برداری پایدار از منابع آبی، چند سالی است که وارد حوزه مدیریت منابع آب کشور گردیده است و در مناطق مختلف کشور تجارب موفق و ناموفقی شکل گرفته است. مطالعات اخیر هم در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند، که رهیافت مشارکتی برای پایداری شبکه‌های آبیاری زهکشی موفقیت آمیز بوده است. بر اساس این مطالعات، شکست یا موفقیت این پروژه‌ها بستگی به درجه مشارکت و درگیری اجتماعات محلی در آنها دارد. تجربه کلی بر این مبناست که مشارکت مردم در هر مرحله‌ای از طرح توسعه، عامل کلیدی برای موفقیت در اجرای پروژه‌هاست، در مقابل شکست زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت مردم در مراحل مختلف نادیده گرفته می‌شود.

کشاورزان، اصلی‌ترین عامل در مدیریت مصرف آب محسوب می‌شوند و هر فرآیند و اقدامی که در شبکه‌های آبیاری و زهکشی بدون توجه به تأثیر و نقش کشاورزان انجام شود، بازدهی کافی و مطلوبی نخواهد داشت. بنابراین به منظور کاهش مشکلات موجود در شبکه‌های آبیاری و زهکشی از یک‌سو و افزایش بازدهی آب کشاورزی از سوی دیگر، عزم ملی برای اثربخش کردن نقش کشاورزان در برنامه‌ریزی،

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

مدیریت، بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی نیاز است (شاهرودی و چیذری، ۱۳۸۷: ۶۶). مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری، علاوه بر کاهش هزینه‌های دولتی برای ساخت و نگهداری زیرساخت‌های مورد نیاز آبیاری، باعث افزایش حس مالکیت و مسئولیت در بین کشاورزان و مشارکت در نگهداری و استفاده از این زیرساخت‌ها می‌شود. بنابراین واگذاری و انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌ها به خود کشاورزان متناسب با سطح آمادگی و توانمندی آنان، از یک طرف باعث می‌شود تا کشاورزان خود را از نزدیک و مستقیماً با مسائل و مشکلات اداره و بهره‌برداری از شبکه آبیاری درگیر شوند و اهمیت و فواید آن را به شکلی ملموس درک نمایند و از طرف دیگر بارمالی دولت و حجم بروکراسی‌های دولتی کاهش یافته و دولت به وظایف حاکمیتی خود مشغول گردد (Consulting engineering firm MGCE, 2009).

با توجه به فواید و ضرورت مشارکت روستاییان در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بالاخص در زمینه مدیریت آب پژوهش‌هایی در این زمینه در نقاط مختلف کشور صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان شامل تحصیلات، درآمد، سابقه کار کشاورزی، تماس‌های ترویجی، مولفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی، عوامل ساختاری، نگرش نسبت به اثربخشی مشارکت، سابقه مشارکت در طرح‌های عمرانی، نگرش نسبت به کارکنان ادارات دولتی، عضویت در تعاونی‌ها و دسترسی به اطلاعات فنی کشاورزی است (Panahi, 2013: 1448; Mirzaei et al, 2012: 981; Azizi Khalkheili and Zamani, 2009: 859؛ شاهرودی و چیذری، ۱۳۸۶: ۶۳؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ۷۹؛ نوری‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷؛ صدیقی و فرزند وحی، ۱۳۸۳: ۶۷۹). مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که مشارکت روستاییان و بهره‌برداران از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. با این وجود بررسی مشارکت آنها بر حسب سطوح مختلف مشارکت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در پژوهش حاضر این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است.

پروژه آبیاری و زهکشی دشت ارایض به عنوان بخشی از طرح توسعه اراضی ۵۵۰ هزار هکتاری دشت‌های خوزستان و ایلام در حال حاضر با مساحت بیش از ۷۶۰۰ هکتار در حال اجرا است. اجرای این پروژه با هزینه‌های سنگین که از سوی دولت پذیرفته شده است اگر بدون توجه به زمینه‌های مشارکتی روستاییان صورت گیرد، نمی‌تواند به نتایج مطلوبی دست یابد. مشارکت روستاییان در این پروژه و تمایل آنها به نگهداری و بهره‌داری آن از نیازها و ضرورت‌های اصلی این پروژه باید به حساب آید. در غیر این صورت با خروج دولت از اراضی روستاییان و تحویل آن به بهره‌برداران نه تنها نمی‌توان انتظار تحقق اهداف دولت در افزایش راندمان اراضی را داشت بلکه به دلیل عدم مشارکت روستاییان و بهره‌برداران در پروژه، بار مالی دولت افزایش خواهد یافت. بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

مشارکت روستاییان در مدیریت و بهره‌برداری از شبکه آبیاری و عوامل اجتماعی مؤثر بر این مشارکت است. در همین راستا سؤال پژوهش به شناسایی مهمترین عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت روستاییان در مدیریت و بهره‌برداری از شبکه آبیاری می‌پردازد.

۲) مبانی نظری

مشارکت را می‌توان به عنوان رشد توانایی‌های اساسی بشر در نظر گرفت. این توانایی‌ها شامل، شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن انسان در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل که سنجیده و از روی فکر است (میسرا،۱۳۶۵:۳۳). آنچه که در مشارکت مهم بوده، فهم متقابل از یکدیگر است (Ramella and Rose, 2000: 275). امروزه بحث اساسی در زمینه توسعه روستایی یک مرحله از موضوع «واقعیت چه کسانی به حساب می‌آید» فراتر رفته و به موضوع جدیدتری تحت عنوان «چه کسانی واقعیت را رقم می-زنند» رسیده است. در این زمینه، بحث کارگزار توسعه و کارپذیر توسعه مطرح نیست. مردم به عنوان فاعل و سازنده زندگی خود مطرح هستند نه موضوع مورد تصمیم‌گیری و تفکر دیگران. تجربه کلی در زمینه پروژه‌های توسعه بر این مبناست که مشارکت مردم در هر مرحله‌ای از توسعه، عامل کلیدی برای موفقیت در اجرای پروژه‌ها است. در مقابل شکست زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت مردم در مراحل مختلف نادیده گرفته شود. مشارکت اجتماعی شهروندان زمینه کاهش تضادها و مدیریت کارا را فراهم می‌آورد (Hamid, 1996: 1-5; Stenseke, 2009: 215). هرچه دامنه مشارکت مردم، در امور اجتماعی بیشتر باشد از مقاومت آنان در برابر دگرگونی و ایده های مطلوب و نوین زندگی کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، دامنه بیشتر مشارکت، نوآوری و خلاقیت را نیز در جامعه افزایش می‌دهد.

بر حسب نوع مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی سطوح مختلفی از مشارکت تعریف شده است. در همین زمینه مجله بین‌المللی توسعه کشاورزی، سطوح مشارکت روستاییان را در طرح‌های توسعه‌ای به صورت زیر دسته‌بندی نموده است:

- *مشارکت انفعالی[1]: مردم در طرح‌ها نقش فعالی ندارند و فقط درباره چیزی که اتفاق می‌افتد، صحبت می‌کنند.*
- *مشارکت برای انگیزه‌های مادی[2]: مشارکت مردم به تهیه منابع و نیروی کار در ازای غذا و پول محدود است.*

[1] Passive Participation
[2] Participation for material incentives

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

- مشارکت مشاوره‌ای[1]: مشارکت مردم شامل مشاوره کردن و گوش فرا دادن به سخنان و ایده-های نمایندگان خارجی است، در این فرآیند شرکت در بحث هیچ گونه تعهدی برای مردم ایجاد نمی‌کند.

- مشارکت کارکردی[2]: مردم با گروه‌های سازمان یافته برای تعیین اهداف پروژه‌ها دیدار می‌کنند، این گروه‌ها به نمایندگان خارجی وابسته هستند ولی ممکن است در مجموع مستقل باشند.

- مشارکت متقابل[3]: مردم در تجزیه و تحلیل طرح‌های کاربردی و تشکیل سازمان‌های محلی جدید مشارکت می‌کنند. در این نوع مشارکت کنترل بخش‌های محلی در دست مردم بوده و در نگهداری از طرح‌ها و برنامه‌ها تلاش می‌کنند.

- مشارکت خود انگیخته[4]: مردم به طور مستقل و بدون وابستگی به سازمان‌های دولتی با استفاده از قوه ابتکار خودشان دست به اصلاح و تغییر وضعیت می‌زنند و برای تأمین منابع و فنون لازم از سازمان‌های بیرونی کمک می‌جویند اما کنترل نحوه استفاده از منابع را خود در اختیار دارند (Simpson and Cala, 2001).

در طول واقعه مشارکت اصیل و کارآمد، فرایند مشارکت همواره تداوم خواهد داشت. مشارکت واقعی و کارآمد بر این اصل استوار است که فرایند توسعه از پایین به بالا و بدون هرگونه مدل مسلط باشد و فعالیت-های مربوط به طرح‌های توسعه باید توسط گروه‌های مرتبط انجام گیرد (Oakley and Marsden, 1984: 66-67). تا مادامی که واقعه مشارکت ادامه دارد می‌توان مراحلی را قائل شد که این مراحل به صورت چرخه‌ای دائمی طی می‌شود. مشارکت مردمی در طرح‌ها و پروژه‌ها در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

مرحله اول- مشارکت در تدوین، طراحی و تصمیم‌گیری طرح‌ها: همه افراد یا گروه‌های مشارکت-کننده در یک برنامه یا فعالیت برای تصمیم‌سازی درباره انتخاب شیوه و عمل و چگونگی اجرای عملیات یعنی برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه مشارکت دقیق داشته باشند.

مرحله دوم- مشارکت در اجرا و پیاده‌سازی طرح‌ها: همه افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده باید برای اجرای تصمیم‌های گرفته شده مشارکت جدی داشته باشند.

مرحله سوم- مشارکت در ارزشیابی و بررسی نتایج: همه افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده باید برای بررسی نتایج، سیر فعالیت‌ها و چگونگی نیل به تحقق اهداف، مشارکت داشته باشند. بنابراین بازنگری و اصلاح برنامه‌ها بر پایه بازخوردهای حاصل از نظارت و ارزیابی با مشارکت افراد صورت می‌پذیرد.

[1] Participation by consultation
[2] Functional Participation
[3] Interactive Participation
[4] Self-Mobilization

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

مرحله چهارم- مشارکت در منافع: همه افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده باید از منافع حاصل از اجرای برنامه‌ها یا طرح‌ها سهم منصفانه‌ای داشته باشند. در واقع نتیجه تمام تلاش‌های مشارکت، منافعی است که به فرد یا گروه مشارکت کننده تعلق می‌گیرد (Stefano, 2010: 1333 ؛رضوانی و فردرو، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در ارتباط با پدیده مشارکت نشان می‌دهد که عوامل متعددی با این کنش اجتماعی مرتبط هستند و مدلی که بتوان از آن به عنوان مدل کامل برای تبیین مشارکت استفاده کرد وجود ندارد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲: ۱۴۴). بر همین اساس در این پژوهش سعی شده مشارکت روستاییان در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه تحت تأثیر دو مجموعه از متغیرهای متعامل که مرتبط با یکدیگر هستند مورد بررسی قرار گیرد. این دو مجموعه از متغیرها شامل عوامل زمینه‌ای بهره‌برداران و عوامل اجتماعی آنها می‌باشند.

مجموعه نخست که شامل عوامل زمینه‌ای نظیر سن، تحصیلات، درآمد سالیانه و سابقه کار کشاورزی است بر میزان درک و آگاهی بهره‌برداران از پروژه تأثیرگذار بوده و بر مجموعه دوم از متغیرها نیز مؤثر است. مجموعه دوم دربرگیرنده عوامل اجتماعی است. متغیرهایی که در این مجموعه می‌توانند قرار گیرند بسیار گسترده بوده که مهم‌ترین آنها شامل همبستگی اجتماعی، اعتماد، حمایت اجتماعی، تعلق مکانی و توانمندی بهره‌برداران است. همبستگی اجتماعی شامل فرایندها و زیرساخت‌هایی است که شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و پایه‌ریزی می‌کند. همبستگی اجتماعی شامل هنجارهای اجتماعی انسجام و بخشش[1] میان اعضای اجتماع است. این متغیر از یک سو با انسجام به عنوان پایه‌ای برای هویت‌های جمعی ارتباط دارد و از سوی دیگر با فرایندی که شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های اجتماعی این شبکه‌ها را ایجاد و پشتیبانی می‌کند، در ارتباط است (Phillips, 2006: 117). همبستگی اجتماعی در کنار اعتماد که اصلی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی است سبب تسهیل مبادلات در فضای اجتماعی می‌شود که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶: ۲۸۳). در کنار این دو متغیر اصلی می‌توان به متغیرهای دیگری نیز در این مجموعه مانند حمایت اجتماعی و تعلق مکانی اشاره نمود. تعلق مکانی مجموعه‌ای از معانی، باورها، نمادها، ارزش‌ها و احساساتی‌ست که افراد یا گروه‌ها را به یک مکان خاص پیوند می‌زند (لهسایی‌زاده و ماجدی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). حمایت اجتماعی نیز مجموعه اطلاعاتی است که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکه ارتباطی مورد توجه و علاقه دیگران است و از سوی آنها با ارزش و محترم شمرده می‌شود و در نتیجهٔ چنین باوری این احساس به فرد دست می‌دهد که به آن شبکه ارتباطی تعلق دارد.

[1] . generosity

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

۳) روش تحقیق

با توجه به مدل پژوهش از روش کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود. جامعه آماری و نمونه تحقیق در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شبکه آبیاری و زهکشی کرخه به وسعت ۳۲۰ هزار هکتار در جنوب غربی ایران و در استان‌های ایلام و خوزستان واقع شد است. در این محدوده هفت دشت قرارگرفته‌اند که شامل دشت اوان، دشت دوسالق، دشت ارایض، دشت باغه، دشت عباس، دشت فکه و دشت عین خوش است. موقعیت جغرافیایی این هفت دشت در شکل شماره (۲) نشان داده شده است. جامعه آماری این پژوهش بهره‌برداران دهستان چنانه از بخش فتح‌المبین شهرستان شوش در استان خوزستان است که اراضی آنها در واحدهای عمرانی ۲ و ۳ دشت ارایض واقع شده است. روستاهای محدوده مورد مطالعه شامل روستاهای محمدصافی، محارب، مجیدضمدی، جلیل و حمدان است. بهره‌برداران این ۵ روستا شامل بهره‌برداران ساکن در روستا و بهره-برداران غیرساکن است. با توجه به محدودیت‌های دسترسی به بهره‌برداران غیرساکن در این روستا که عموماً در شهرهای اهواز، شوش و بندر ماهشهر ساکن هستند بنابراین جامعه آماری پژوهش به بهره-برداران ساکن در ۵ روستای دهستان چنانه که اراضی آنها در محدوده واحدهای عمرانی ۲ و ۳ دشت ارایض قرار دارد محدود شده است.

اطلاعات جمعیتی دو روستای جلیل و حمدان در مرکز آمار ایران ثبت نشده است. دلیل این موضوع را باید در جمعیت پایین این دو روستا دانست که فاقد کُد روستایی در اطلاعات جمعیتی مرکز آمار در سرشماری عمومی نفوس و مسکن می‌باشند. بهره‌برداران اراضی این دو روستا که همگی خویشاوند نزدیک هستند در شهرهای مجاور سکونت دارند. بر همین اساس اطلاعات جمعیتی روستاهای مورد مطالعه را از مرکز بهداشت روستای محمد صافی اخذ نموده و این اطلاعات به تفکیک جمعیت، تعداد خانوار و میانگین بُعد خانوار در جدول شماره (۱) ارائه شده است. تمامی خانوارهای روستاهای مورد مطالعه دارای اراضی کشاورزی بوده و بنابراین جامعه آماری پژوهش متشکل از ۲۰۵ بهره‌بردار ساکن پنج روستای جدول شماره (۱) است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۴ نمونه انتخاب و به شیوه نمونه-گیری طبقه‌ای توزیع به نسبت در ۵ روستای مورد مطالعه توزیع شد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

جدول شماره (۱) جمعیت و خانوار سکونتگاه‌های محدوده طرح به تفکیک روستا در سال ۱۳۹۰

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	تعداد خانوار	جمعیت	میانگین بُعد خانوار
شوش	فتح‌المبین	چنانه	محمدصافی	۸۴	۵۷۶	۶/۹
			محارب	۵۸	۳۱۳	۵/۴
			مجیدضمدی	۵۴	۳۴۰	۶/۳
			جلیل	۵	۱۵	۳
			حمدان	۴	۳۱	۷/۷۵
کل				۲۰۵	۱۲۷۵	۶/۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

حجم نمونه اختصاص داده شده به هر روستا در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. در تمام روستاهای مورد مطالعه روش انتخاب بهره‌بردارها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و بهره‌برداران مورد مطالعه نیز مرد بوده‌اند.

جدول شماره (۲) توزیع حجم نمونه به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

روستا	تعداد بهره‌برداران ساکن	حجم نمونه
محمدصافی	۸۴	۵۵
محارب	۵۸	۳۸
مجیدضمدی	۵۴	۳۵
جلیل	۵	۳
حمدان	۴	۳
جمع کل	۲۰۵	۱۳۴

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش یافته‌های توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اطلاعات بخش یافته‌های توصیفی در یکی از دو سطح تحلیل جامعه یا نمونه آماری است. متغیرهایی مانند وضعیت اشتغال و فعالیت، مذهب و قومیت و وضعیت بهره‌برداری و مالکیت اراضی در ارتباط با جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن با متغیر وابسته تحقیق نیز آزمون نشده است. دلیل این امر را باید در عدم تفاوت معنادار بین بهره‌برداران جامعه آماری در ارتباط با دو متغیر اشتغال و فعالیت و قومیت و مذهب دانست. در زمینه متغیر وضعیت بهره‌برداری و مالکیت اراضی به دلیل اختلافاتی که بین ادعای بهره‌بردارن و نقشه‌های کاداستر وجود دارد و همچنین تفاوت در نوع بهره‌برداری‌ها بنابراین اطلاعات این بخش در سطح جامعه آماری و بدون استناد به نمونه مورد بررسی قرار گرفت. سایر متغیرهای تحقیق در سطح نمونه آماری توصیف شده است و با متغیر وابسته تحقیق نیز در بخش یافته‌های استنباطی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

ساکنین روستاهای مورد مطالعه تقریباً همه دامدار و کشاورز هستند. به دلیل محدودیت آب در این مناطق زراعت دیم رواج گسترده‌ای داشته و بنابراین بخش عمده منبع درآمد و تأمین معاش روستاییان وابسته به دامداری است که به صورت سنتی انجام می‌شود. مشاغل دیگر از قبیل فعالیت‌های خدماتی یا اشتغال در زمینه‌های دیگر در کنار فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در بین بهره‌برداران روستاهای مورد مطالعه به ندرت مشاهده شده است. عمده محصولات کشاورزی روستاییان گندم، جو، ذرت، خربزه و هندوانه بوده و بهره‌برداری‌ها نیز از نوع خانوادگی است.

ساکنان روستاهای مورد مطالعه مسلمان و پیرو مذهب تشیع بوده و از طایفه چنانه هستند. در بین اعراب هر طایفه به چند عشیره تقسیم می‌شود. عشیره ساکنین روستاهای مورد مطالعه به تفکیک روستا در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. اگر چه عشیره روستاییان برای آنها مهم است ولی با توجه به اینکه همه روستاییان از یک طایفه هستند. بنابراین اختلافات قومی در میان روستاییان مشاهده نمی‌شود و سوءتفاهمات معمول هم با پا درمیانی بزرگان روستا که هنوز جایگاه و احترام خود را حفظ کرده‌اند حل و فصل می‌گردد. در خارج از محدوده روستا بهترین و بیشترین روابط را روستای مجید ضمدی با روستای محارب دارد که ریشه-های خویشاوندی و همبستگی قومی بین آنها مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۳) طایفه و عشیره روستاهای مورد مطالعه به تفکیک روستا

روستا	طایفه	عشیره
محمدصافی	چنانه	بیت‌شایع
محارب	چنانه	شحی‌تات
مجیدضمدی	چنانه	ضمدی- شحی‌تات
جلیل	چنانه	ضمدی
حمدان	چنانه	ضمدی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

موضوع مالکیت اراضی در روستاهای محدوده مورد مطالعه یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های روستاییان است. بهره‌برداران این روستاها میزان ادعای زمین‌های مالکیتی آنها بسیار بیشتر از میزان زمین‌های ثبتی برای آنها است. به عبارت دیگر بخش کمی از اراضی روستا دارای سند بود و اکثریت مالکیت‌ها عرفی است.

زمین‌هایی که در عرف محل متعلق به یک نفر بوده، ممکن است بین فرزندان وی تقسیم شده و آنها محدوده زمین خود را به خوبی شناخته و از یکدیگر تفکیک می‌نمایند ولی همچنان در عرف محل به نام پدر خانواده شناخته می‌شود. تعداد بهره‌برداران ثبت شده برای هر روستا با بهره‌برداران موجود متفاوت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

است. دلیل این امر ناشی از آن است که چون اراضی به نام صاحب اولیه ثبت شده و هنوز بین وراث به صورت رسمی تقسیم نشده است. بنابراین بین آمار بهره‌بردارن موجود و آمار بهره‌برداران دارای سند اختلاف وجود دارد. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از اراضی بهره‌برداران فاقد اسناد روشن و مشخصی است و بیشتر به صورت عرفی تفکیک شده است، بنابراین پروژه‌های اجرایی در این محدوده را دچار مشکل می‌نماید. علاوه بر این تعین اندازه دقیق و مستند قطعات بهره‌برداران را با نارسایی‌هایی مواجه می‌سازد. مطابق با مطالعات میدانی محققین می‌توان مشخصات قطعات زراعی بهره‌برداران ۵ روستای مورد مطالعه که اراضی آنها در محدوده واحدهای عمرانی شماره ۲ و ۳ دشت ارایض قرار دارد به صورت جدول شماره (۴) نشان داد. لازم به ذکر است اطلاعات این بخش بر اساس میزان دسترسی محققین به اسناد زراعی روستاهای محدوده مورد مطالعه، جمع‌آوری اطلاعات از معتمدین روستا و بهره‌برداران صورت گرفته و شامل بهره‌برداران ساکن و غیرساکن در روستاهای مورد مطالعه است.

یافته‌های جدول شماره (۴) منطبق با اطلاعات استخراج شده از کاداستر اراضی روستاهای مورد مطالعه واقع در محدوده واحدهای عمرانی شماره ۲ و ۳ دشت ارایض است. بین یافته‌های این بخش با وضعیت موجود بهره‌برداری تفاوت‌هایی وجود دارد و این موضوع ناشی از تقسیم عرفی اراضی بین وراث یک بهره‌بردار است که سبب شده تعداد بهره‌برداران و تعداد قطعات افزایش یابد و اندازه متوسط قطعات با کاهش روبرو شود. چنین تقسیماتی بیشتر جنبه عرفی داشته و ثبت رسمی نشده است.

جدول شماره (۴) وضعیت قطعات زراعی واحدهای عمرانی شماره ۲ و ۳ دشت ارایض به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	تعداد مالکین/ بهره‌برداران	تعداد قطعات زراعی	مساحت قطعات (هکتار)	متوسط قطعات (هکتار)
محارب	۵۵	۴۰	۸۹۴	۲۲
جلیل	۲۸	۱۹	۵۹۹	۳۱
حمدان	۵۱	۱۸	۶۵۸	۳۶
مجید ضمدی	۸۰	۶۸	۱۶۳۴	۲۴
محمدصافی	۱۸۱	۱۴۱	۱۹۲۳	۱۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

به منظور بررسی وضعیت سن پاسخگویان یافته‌های به دست آمده از این متغیر به صورت طبقه‌بندی شده در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. یافته‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که حدود سه چهارم از نمونه آماری مورد مطالعه سن آنها بین ۳۰ تا ۶۰ سال است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

جدول شماره (۵) توزیع پاسخگویان برحسب متغیر سن

طبقات سن	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
۲۰-۲۹	۱۳	۹/۷	۹/۷
۳۰-۳۹	۳۵	۲۶/۱	۳۵/۸
۴۰-۴۹	۳۰	۲۲/۴	۵۸/۲
۵۰-۵۹	۳۴	۲۵/۴	۸۳/۶
۶۰-۶۹	۱۴	۱۰/۴	۹۴
۷۰ سال و بیشتر	۸	۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

آماره‌های توصیفی به دست آمده از وضعیت سن پاسخگویان در جدول شماره (۶) نشان داده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سن نمونه آماری مورد مطالعه نزدیک به ۴۷ سال با انحراف معیار ۱۵ سال است.

جدول شماره (۶) آماره‌های توصیفی وضعیت سن پاسخگویان

تعداد پاسخگویان	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	جوانترین پاسخگو	مسن‌ترین پاسخگو
۱۳۴	۴۶/۸	۴۵/۵	۳۸	۱۵/۳	۱۸	۷۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

تحصیلات را با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه آماری می‌توان در چهار سطح طبقه‌بندی کرد. یافته‌های به دست آمده از این بخش در جدول شماره (۷) نشان داده شده است. یافته‌های جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که بیش از نیمی از نمونه آماری مورد مطالعه بی‌سواد هستند. پاسخگویان کم سواد، دارای سواد قرآنی، دارای تحصیلات ابتدایی و سواد خواندن و نوشتن در گروه تحصیلات ابتدایی طبقه‌بندی شده است.

جدول شماره (۷) توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۷۲	۵۳/۷	۵۳/۷
ابتدایی	۳۹	۲۹/۱	۸۲/۸
راهنمایی و متوسطه	۱۴	۱۰/۵	۹۳/۳
دیپلم و بالاتر	۹	۶/۷	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

آماره‌های توصیفی سابقه کار کشاورزی و درآمد سالیانه بهره‌برداران در جدول شماره (۸) نشان داده شده است. یافته‌های حاصل از جدول شماره (۸) حاکی از آن است که میانگین سابقه بهره‌برداران در بخش کشاورزی در حدود ۲۶ سال با انحراف معیار ۱۳ است. همین آماره‌ها برای درآمد سالیانه بهره-برداران به ترتیب ۱۴ و ۸ است.

جدول شماره (۸) آماره‌های توصیفی سابقه کار کشاورزی و درآمد سالیانه بهره‌برداران

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
سابقه کار کشاورزی	۲۶/۱	۲۵/۵	۲۵	۱۲/۷	۴	۶۶
درآمد سالیانه (میلیون	۱۳/۸	۱۲/۹	۱۲	۸/۲	۱/۲	۳۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

مشارکت بهره‌برداران در مدیریت و بهره‌برداری شبکه آبیاری و زهکشی اراضی تحت مالکیت خود متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان عوامل اجتماعی از اثرگذاری بالایی برخوردار است. در این بخش به بررسی یافته‌های توصیفی حاصل از مشارکت بهره‌برداران (متغیر وابسته تحقیق) و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (متغیرهای مستقل تحقیق) پرداخته می‌شود.

مشارکت بهره‌برداران را می‌توان در سه مقطع اجرای پروژه مورد بررسی قرار داد که شامل مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در اجرا و مشارکت در حفظ و نگهداری پروژه است. هر یک از این ابعاد مشارکت از طریق سؤالات مختلف مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده از طیف مشارکت بهره‌برداران برای پایایی[1] برابر با ۰/۸۵ است.

مشارکت در برنامه‌ریزی با سؤالاتی در زمینه شرکت بهره‌برداران در جلسات پیش از شروع پروژه و اظهار نظر در آنها سنجیده شد. از جمله این جلسات می‌توان به جلسات توجیهی پروژه، برداشت نقشه-های کاداستر، هندسی‌سازی اراضی، تکمیل توافق‌نامه‌های آزادسازی اراضی و ارائه اطلاعات محلی منطقه به دست‌اندرکاران پروژه اشاره نمود.

مشارکت در اجرای پروژه نیز با سؤالاتی مانند همکاری در قالب نیروی کار بر روی اراضی تحت مالکیت خود به صورت رایگان، در اختیار قرار دادن ادوات و ماشین‌آلات به صورت رایگان، کمک مالی به پروژه، هندسی‌سازی اراضی و واگذاری بخشی از اراضی برای اجرای پروژه اندازه‌گیری شد.

در بخش مشارکت در حفظ و نگهداری پروژه با توجه به اینکه پروژه در مرحله اجرا قرار داشت و به اتمام نرسیده بود بنابراین تمایل بهره‌برداران در حفظ و نگهداری پروژه در صورت اتمام آن بررسی شد.

[1] Reliability

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

این بخش از مشارکت با سؤالاتی نظیر تمایل به تشکیل تعاونی و تشکل برای بهره‌برداری و حفظ و نگهداری پروژه، تمایل به در اختیار قرار دادن نیروی کار برای تعمیرات پروژه در صورت خسارات احتمالی، تمایل به کمک مالی برای حفظ و نگهداری پروژه، تمایل به شرکت در کلاس‌های آموزشی و توانمندسازی در راستای حفظ و نگهداری پروژه مورد بررسی قرار گرفت.

سطح مشارکت بهره‌برداران در هر یک از ابعاد سه گانه مشارکت و همچنین مشارکت کل در جدول شماره (۹) نشان داده شده است. نتایج حاصل از جدول شماره (۹) بعد از جمع نمرات بهره‌برداران در پاسخ به هریک از سؤالات مربوط به ابعاد مختلف مشارکت و تقسیم آنها به سه دسته با فواصل برابر حاصل شده است. یافته‌های به دست آمده بیانگر آن است که مشارکت در اجرای پروژه نسبت به دو بُعد دیگر مشارکت کمتر مورد توجه بهره‌برداران قرار دارد. بهره‌برداران تمایلی برای کمک مالی به پروژه، در اختیار قرار دادن نیروی کار رایگان برای پروژه، در اختیار قرار دادن ادوات و ماشین آلات برای پروژه و مواردی از این قبیل را ندارند. با تجمیع نمرات بهره‌برداران در سه بُعد مشارکت و تقسیم آن به سه دسته با فواصل برابر مشخص شد که اکثریت پاسخگویان (۷۲/۸ درصد) میزان مشارکت آنها در سطح متوسط است. بر همین اساس باید گفت که مشارکت بهره‌برداران در منطقه مورد مطالعه در وضعیت حساسی قرار دارد به گونه‌ای که عملکرد نامناسب پروژه می‌تواند بخش عمده‌ای از بهره‌بردارانی را که مشارکت آنها در سطح متوسط قرار دارد، به بهره‌بردارانی تبدیل نماید که مشارکت آنها پایین و حتی رویکرد ضدمشارکتی در پیش گیرند. همانگونه که وضعیت کنونی مشارکت کشاورزان بخش عمده‌ای از آن نتیجه انجام پروژه-های پیشین در منطقه و نارضایتی‌های موجود در این زمینه است، عملکرد نامناسب این پروژه می‌تواند اثرگذاری منفی بر وضعیت مشارکت بهره‌برداران در پروژه‌های بعدی داشته باشد.

جدول شماره (۹) توزیع بهره‌برداران در زمینه مشارکت و بهره‌برداری از پروژه به تفکیک ابعاد آن

نوع مشارکت	زیاد		متوسط		کم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مشارکت در برنامه‌ریزی	۴۹	۳۶/۶	۷۷	۵۷/۵	۸	۶
مشارکت در اجرا	۶	۴/۵	۷۸	۵۸/۲	۵۰	۳۷/۳
مشارکت در حفظ و نگهداری	۵۴	۴۰/۳	۴۳	۳۲/۱	۳۷	۲۷/۶
مشارکت کل	۲۳	۱۷/۵	۹۸	۷۲/۸	۱۳	۹/۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

متغیرهای زمینه‌ای یا مشخصات عمومی بهره‌برداران که در بخش‌های پیشین تحت عنوان سن، تحصیلات، درآمدسالیانه و سابقه کار کشاورزی توصیف شدند در کنار عوامل اجتماعی می‌توانند تبیین

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

کننده بخشی از مشارکت بهره‌برداران در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه باشد. در ادامه به توصیف عوامل اجتماعی مورد برررسی در این پژوهش پرداخته می‌شود.

اعتماد بین شخصی: این متغیر با سؤالاتی مانند اعتماد به سایر کشاورزان، پذیرفتن ضمانت مالی آنها، امانت دادن وسایل کار، وفاداری به قول و قرارها و احساس مسئولیت نسبت به سایر بهره‌برداران مورد سنجش قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ برای پایایی طیف برابر با ۰/۸۵ است.

اعتماد نهادی: در بخش اعتماد نهادی میزان اعتماد بهره‌برداران به کارکنان جهاد کشاورزی در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفت. پایایی طیف برابر با ۰/۸۴ است.

مشارکت ذهنی: در این متغیر به سنجش روحیه مشارکتی بهره‌برداران از طریق سؤالاتی مانند دیدگاه آنها در ارتباط با کار جمعی، تأثیر شورا بر روستا، عضویت در انجمن‌ها و تعاونی‌ها، صحبت و تبادل نظر در ارتباط با مسائل و مشکلات و روستا و مواردی از این قبیل پرداخته شد. مقدار آلفای کرونباخ در این طیف ۰/۶۷ به دست آمده است.

تعلق مکانی: این متغیر به بررسی میزان تعلق بهره‌برداران به روستاهای محل زندگی خود با سؤالاتی مانند توصیه به فرزندان برای ادامه زندگی در روستا، عدم مهاجرت از روستا تحت هر شرایطی، ازدواج فرزندان با اهالی روستا و مواردی از این قبیل می‌پردازد. میزان پایایی طیف ۰/۷۳ است.

حمایت اجتماعی: در بخش حمایت اجتماعی سؤالاتی مانند مطرح نمودن مشکلات با اطرافیان، یاری دادن به بهره‌برداران از سوی افراد دیگر هنگام برخورد با مشکلات اقتصادی، کمک سازمان‌ها و نهادها در موقع نیاز و روحیه و امید دادن به بهره‌برداران توسط دیگران هنگام برخورد با مشکلات مطرح شد. میزان آلفای کرونباخ طیف برابر با ۰/۶۶ است.

همبستگی اجتماعی: میزان رفت و آمد با سایر کشاورزان، کمک در فصل کار، شرکت در مراسمات یکدیگر، سراغ یکدیگر را گرفتن، کمک به یکدیگر هنگام گرفتاری از جمله سؤالاتی بودند که به واسطه آنها میزان همبستگی اجتماعی بهره‌برداران مورد سنجش قرار گرفت. مقدار پایایی این طیف ۰/۸۳ به دست آمده است.

توانمندی اقتصادی: این متغیر با سؤالاتی مانند توانایی بهره‌برداران برای پس‌انداز، بازپرداخت اقساط، افزایش درآمد، ایجاد شغل جدید و دارا بودن توانمندی و مهارت خاص بررسی شد.

پاسخ‌های به دست آمده از دیدگاه بهره‌برداران در ارتباط با هریک از سؤالات متغیرهای مورد بررسی پس از هم‌جهت نمودن با یکدیگر جمع و نمرات به دست آمده به سه دسته با فواصل برابر تقسیم گردید. نتایج به دست آمده از این بخش به تفکیک هریک از متغیرها در جدول شماره (۱۰) نشان داده شده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

جدول شماره (۱۰) توزیع بهره‌برداران در زمینه متغیرهای اجتماعی مورد بررسی

عوامل اجتماعی مورد بررسی	زیاد		متوسط		کم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اعتماد بین شخصی	۷۵	۵۶	۳۶	۲۶/۹	۲۳	۱۷/۲
اعتماد نهادی	۴۸	۳۶/۱	۵۸	۴۳/۶	۲۷	۲۰/۳
مشارکت ذهنی	۹۳	۶۹/۴	۳۲	۲۳/۹	۹	۶/۷
تعلق مکانی	۶۴	۴۷/۸	۵۰	۳۷/۳	۲۰	۱۴/۹
حمایت اجتماعی	۴۶	۳۴/۳	۵۴	۴۰/۳	۳۴	۲۵/۴
همبستگی اجتماعی	۸۴	۶۲/۷	۳۶	۲۶/۹	۱۴	۱۰/۴
توانمندی اقتصادی	۱۵	۱۱/۳	۵۷	۴۲/۹	۶۱	۴۵/۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

در این بخش به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. بر اساس سطح سنجش متغیرها از دو آزمون پیرسون و آنالیز واریانس یک راهه استفاده شده است. به استثنای متغیر تحصیلات در سایر متغیرهای مستقل برای بررسی فرضیات از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون برای رابطه متغیرهای مستقل مورد بررسی با متغیر وابسته یعنی مشارکت بهره‌برداران در مدیریت و نگهداری پروژه در جدول شماره (۱۱) ارائه شده است. یافته‌های حاصل از جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که رابطه همه متغیرهای مستقل مورد بررسی به استثنای "سابقه کار کشاورزی بهره-برداران" و "توانمندی اقتصادی" آنها با متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان "مشارکت در مدیریت و بهره-برداری از پروژه" مورد تأیید قرار گرفته است. از میان متغیرهایی که رابطه آنها با متغیر وابسته تأیید شده است، متغیر "سن" با میزان "مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری" رابطه منفی دارد. به عبارت دیگر با افزایش سن بهره‌برداران میزان مشارکت آنها کاهش می‌یابد و برعکس. سایر متغیرهایی که رابطه آنها با متغیر وابسته تأیید شده است، نوع رابطه آنها به لحاظ جهت از نوع روابط هم‌جهت یا مثبت است. به لحاظ شدت رابطه نیز باید گفت که بیشترین میزان شدت رابطه به ترتیب مربوط به متغیرهای "مشارکت ذهنی"، "درآمد سالیانه"، "حمایت اجتماعی" و "اعتماد نهادی" است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

جدول شماره (۱۱) آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به تفکیک فرضیات تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	تأیید یا رد فرضیه
مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه	سن	۰/۰۰۰	-۰/۲۱	تأیید
	درآمد سالیانه	۰/۰۰۴	۰/۳۲	تأیید
	سابقه کار کشاورزی	۰/۲	-۰/۱۱	عدم تأیید
	اعتماد بین شخصی	۰/۰۲	۰/۱۳	تأیید
	اعتماد نهادی	۰/۰۰۸	۰/۲۴	تأیید
	مشارکت ذهنی	۰/۰۴	۰/۳۶	تأیید
	تعلق مکانی	۰/۰۵	۰/۱۶	تأیید
	حمایت اجتماعی	۰/۰۱	۰/۲۸	تأیید
	همبستگی اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۱۶	تأیید
	توانمندی اقتصادی	۰/۱۹	۰/۱۱	عدم تأیید

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

نتایج به دست آمده از آزمون بررسی تفاوت میزان مشارکت بهره‌برداران در مدیریت و بهره‌برداری پروژه بر حسب سطوح مختلف تحصیلات در جدول شماره (۱۲) نشان داده شده است. یافته‌های حاصل از جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری به دست آمده یعنی ۰/۰۰۰ و مقدار F آزمون که برابر با ۸/۳ است؛ بنابراین می‌توان گفت که مشارکت کشاورزان در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه بر حسب سطوح مختلف تحصیلات تفاوت معناداری دارد. بیشترین و کمترین میزان میانگین مشارکت در پروژه به ترتیب مربوط به بهره‌برداران با مدرک دیپلم و بالاتر و بهره‌برداران بی‌سواد است. بر اساس آزمون LSD می‌توان گفت که میانگین مشارکت در هریک از جفت گروه‌های زیر تفاوت معناداری با یکدیگر دارد: راهنمایی و متوسطه با بی‌سواد؛ دیپلم و بالاتر با بی‌سواد؛ ابتدایی با راهنمایی و متوسط؛ ابتدایی با دیپلم و بالاتر.

جدول شماره (۱۲) تفاوت میزان مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه برحسب سطوح مختلف تحصیلات

متغیر وابسته	تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه	بی‌سواد	۷۲	۲۴/۳	۶/۳	۸/۳	۰/۰۰۰
	ابتدایی	۳۹	۲۵/۲	۶/۷		
	راهنمایی و متوسطه	۱۴	۲۹/۹	۷/۳		
	دیپلم و بالاتر	۹	۳۱/۲	۶/۱		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

۵) نتیجه‌گیری

پروژه طرح و ساخت شبکه فرعی آبیاری و زهکشی و تجهیز و نوسازی واحدهای عمرانی ۲ و ۳ دشت ارایض را می‌توان از مهم‌ترین پروژه‌های اجرا شده در مناطق روستایی دهستان چنانه دانست که علاوه بر بار مالی بالای پروژه برای دولت و به کارگیری نیروهایی با تخصص‌های مختلف، بسیار زمان‌بر است. چنین پروژه عظیمی قطعاً بدون مشارکت روستاییان نه تنها نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد بلکه سبب ایجاد معارضت‌هایی نیز در منطقه خواهد شد. بر همین اساس از ابتدای اجرای پروژه توجه به مشارکت روستاییان در دستور کار مجریان پروژه و در رأس آنها وزرات جهاد کشاورزی قرار گرفت. تجربه شکست پروژه‌های پیشین در مناطق روستایی که به صورت یک جانبه و از بالا به پایین توسط دولت هدایت، اجرا و ارزشیابی شده بود نشان داد که نادیده گرفتن مشارکت روستاییان سرنوشت این پروژه را به پروژه‌های پیشین گره خواهد زد با این تفاوت که هزینه و بار مالی این پروژه قابل قیاس با هیچ یک از پروژه‌های پیشین نیست. اگرچه انتظار مجریان پروژه از مشارکت روستاییان، مشارکت خودانگیخته نبود ولی انتظار دور شدن از مشارکت انفعالی و حرکت به سمت مشارکت متقابل از اهداف پروژه و از شرایط اتمام و تحویل پروژه بود. در این زمینه تحرکات مختلفی در منطقه برای شکل‌گیری تعاونی صورت گرفت ولی ارزیابی میزان موفقیت این تلاش‌ها نیازمند گذر زمان و اتمام کامل پروژه است.

به لحاظ مراحل مشارکت نیز باید گفت روستاییان در مرحله تدوین طرح، مشارکت داشته‌اند و همواره سعی بوده طرح برای اجرا برایند دیدگاه بهره‌برداران و طراحان پروژه باشد. با این وجود، کمترین میزان مشارکت بهره‌برداران مربوط به مرحله اجرا است. بهره‌برداران نه تنها دربخش هزینه‌های مالی و نیروی کار این مرحله مشارکتی نداشته، بلکه انتظار کار در پروژه در قبال دریافت دستمزد یا فروش بخشی از اراضی خود به مجریان پروژه را داشتند. در مرحله نگهداری و بهره‌برداری از پروژه، روستاییان به نسبت مرحله اجرا تمایل به مشارکت در قالب تعاونی و تشکل‌های آبیاری را داشتند و بنابراین میزان مشارکت خود را در این مرحله از پروژه در سطح بالاتری از مرحله اجرا ارزیابی نمودند.

یافته‌های به دست آمده از تأثیرعوامل اجتماعی و مشخصات عمومی بهره‌بردارن بر میزان مشارکت آنها نشان می‌دهد که سن بهره‌برداران با میزان مشارکت آنها رابطه معناداری دارد. یافته‌های به دست آمده از این بخش در یافته‌های صدیقی و فرزند وحی (۱۳۸۳) و پناهی (۲۰۱۳) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. پژوهش نوری و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که سابقه کار کشاورزی با میزان مشارکت روستاییان رابطه دارد در حالی‌که در جامعه مورد مطالعه این یافته مورد تأیید قرار نگرفت. رابطه میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران با میزان مشارکت آنها که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت هم راستا با پژوهش-های شاهرودی و چیذری (۱۳۸۶)، صدیقی و فرزند وحی (۱۳۸۳) و پناهی (۲۰۱۳) است. یافته‌های این

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

پژوهش نشان داد که میزان مشارکت بهره‌برداران برحسب سطح تحصیلات آنها تفاوت معناداری دارد موضوعی که در تحقیقات شاهرودی و چیذری (۱۳۸۶)، عزیزی خالخیلی و زمانی (۲۰۰۹)، صدیقی و فرزند وحی (۱۳۸۳) و پناهی (۲۰۱۳) نیز مورد تأیید قرار گرفت. رابطه بین عوامل اجتماعی با میزان مشارکت بهره‌برداران بخش دوم یافته‌های پژوهش بود که نشان داد میزان اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، مشارکت ذهنی و همبستگی اجتماعی با میزان مشارکت بهره‌برداران در مدیریت و بهره‌بردارای از شبکه آبیاری و زهکشی رابطه معناداری دارد. یافته‌های به دست آمده در این بخش در تحقیقات دیگری نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفته بود. از جمله این تحقیقات که به بررسی و تأیید تعدادی از این متغیرها پرداخته‌اند می‌توان به شاهرودی و چیذری (۱۳۸۶)، نوری‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، عزیزی خالخیلی و زمانی (۲۰۰۵)، میرزایی و همکاران (۲۰۱۳) و قاسمی (۱۳۸۴) اشاره نمود. این تحقیقات متغیرهای مورد بررسی را با تأکید بر موضوع کشاورزی مورد مطالعه قرار داده‌اند در حالی‌که در این پژوهش بیشتر بر جنبه اجتماعی آنها تأکید شده است. از جمله متغیرهایی که در سایر پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است متغیرهای اجتماعی مانند میزان تعلق مکانی به روستای محل زندگی، میزان حمایت اجتماعی روستاییان و توانمندی اقتصادی آنها است. چنین متغیرهایی از ابعاد مختلف می‌توانند مشارکت روستاییان را تحت تأثیر قرار دهند. یافته‌های این پژوهش تأیید کننده رابطه دو متغیر تعلق مکانی روستاییان به محل زندگی و میزان حمایت اجتماعی صورت گرفته از آنها با مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری از پروژه آبیاری و زهکشی است.

این پژوهش که با رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی موضوع مشارکت روستاییان پرداخته به لحاظ قلمرو موضوعی متفاوت از پژوهش‌های مشابهی است که با رویکرد کشاورزی و ترویجی انجام شده است. مطابق با یافته‌های این پژوهش میزان مشارکت بهره‌برداران به دلیل تجارب آنها از پروژه‌های پیشین در سطح بالایی قرار ندارد؛ علاوه بر این، وابستگی بالای روستاییان به دولت سبب شده که آنها مشارکت خود را بیشتر معطوف به بیان دیدگاه‌هایی در ارتباط با پروژه نمایند و حداقل مشارکت را در سطح عملی و اجرایی داشته باشند. تقویت اعتماد از دست رفته روستاییان به مجریان پروژه که به دلیل ناکارآمدی پروژه‌های پیشین اتفاق افتاده است و همچنین توانمندسازی آنها می‌تواند زمینه تقویت مشارکت روستاییان را در پروژه‌های آتی فراهم سازد. با توجه به اینکه پروژه مورد بررسی هنوز به اتمام نرسیده است باید خاطر نشان ساخت که اگر این پروژه همانند بسیاری از پروژه‌های روستایی نتواند به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد، باید انتظار داشت میزان مشارکت روستاییان و اعتماد آنها به پروژه و مجریان پروژه و سایر عوامل و زمینه‌های اجتماعی آنها در آینده با شیب بیشتری روند نزولی خود را طی نماید.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

۶) منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۶)، **توسعه روستایی با تأکید بر جامعهٔ روستایی ایران**، نشر نی، تهران.
- رضوانی، اصغر و محسن فردرو، (۱۳۸۱) **دولت، مردم و همگرایی**، جلد او۲، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ریاحی، وحید و حسن مومنی، (۱۳۹۴)، **تحلیل توان منابع آب زراعی در نواحی روستایی شهرستان بوئین و میاندشت**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۷۱-۱۵۳.
- شادی‌طلب، ژاله، (۱۳۸۲)، **مشارکت اجتماعی زنان**، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۷، صص ۱۷۶-۱۴۱.
- شاهرودی، علی اصغر و محمد چیذری، (۱۳۸۷)، **عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری (مطالعه موردی در استان خراسان رضوی)**، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۷۵-۶۳.
- صدیقی، حسن و جلیل فرزند وحی، (۱۳۸۳)، **بررسی نگرش کشاورزان نسبت به بکارگیری سیستم‌های آبیاری تحت فشار در استان کرمانشاه**، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵، شماره ۳، صص ۶۸۹-۶۷۹.
- طاهرآبادی، فائزه، محمدکریم معتمد و محمدرضا خالدیان، (۱۳۹۵) **تحلیل موانع و مشکلات مدیریت آب کشاورزی در دستیابی به توسعه پایدار (مورد: شهرستان‌های کنگاور و صحنه در استان کرمانشاه)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۵، شماره ۳، صص ۷۰-۵۷.
- قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۴)، **بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح-های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان**، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۱۲-۷۹.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و سید مسعود ماجدی، (۱۳۸۵). **بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی، مطالعه موردی: روستاهای استان فارس**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، صص ۹۱-۱۳۵.
- مریانجی، زهره، سید اکبر حسینی و حامد عباسی، (۱۳۹۶)، **تحلیل اثرات خشکسالی بر تولید گندم و مهاجرت روستایی استان همدان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۱۲-۹۵.
- میسرا، آر. پی(۱۳۶۵). **مشارکت مردمی**، ترجمه علی اکبری، ماهنامه جهاد، سال ۶، شماره۸۹ .
- نوری‌پور، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). **تحلیل سازه‌های مؤثر بر مشارکت روستاییان در مدیریت و بهره‌برداری شبکه آبیاری و زهکشی دشت لیشتر**، فصلنامه راهبرد توسعه روستایی، جلد ۳، شماره ۱، صص ۷۵-۵۷.
- Azizi Khalkheili, T. and Zamani, G.H., 2009, **Farmer participation in irrigation management: The case of Doroodzan Dam irrigation network, Iran**, Agricultural Water Management, 96 (5), Pp. 859-865.
- Consulting engineering firm MGCE, 2009, **Challenges and solutions facing the implementation and operation of the irrigation system Lyshtr (case report)**, Plan Regional Water Company No. 7886070 kohgiluyeh Boyer Ahmad.
- Hamid, A. H., 1996, **Public and social participation in rural Indonesia: A multi-theoretical approach**, Kansas state university, Pp. 2-17.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

- Mirzaei, A., Mirdamadi, S. M. and Alini, M., 2012, **Non-economic factors effecting on farmer's attitudes towards participatory irrigation management (Case study: Golestan province, Iran),** Life Science Journal, 9 (3), Pp. 981-986.
- Oakley, P. and Marsden, D. J., 1984, **Approaches to Participation in Rural Development**, ILO, Geneva.
- Panahi, F., 2013, **Factor analysis of effective components on beneficiaries' participation in the management of irrigation and drainage networks (Case study: Bushehr),** International Journal of Agriculture and Crop Sciences, 6 (21), Pp. 1448-1452.
- Phillips, D., 2006, **Quality of Life: Concept, Policy and Practice**, London: Routledge Publications.
- Ramella, M. and Rose, B.L., 2000, **Taking part in Adolescent sexual health promotion in Peru: Community participation from a social psychological perspective**, Journal of Community and Applied Social Psychology, Vol. 10, No. 4. Pp. 271-284.
- Simpson, B. and Cala, C., 2001, **Measuring results in community development, An exploration of participation and network capacity domains, CRAHA,** Calgary Regiond Health Authority.
- Stefano, L., 2010, **Facing the water framework directive challenges: A baseline of stakeholder participation in the European union**, Journal of Environmental Management, Vol. 91, Pp. 1332-1340.
- Stenseke, M., 2009, **Local participation in cultural landscape maintenance: Lessons from Sweden**, Land use policy, Vol. 26, Pp. 214-223.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]